



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۶ رجب ۱۴۴۴

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

موضوع جزئی: ۲. مال - بررسی رمز ارزها از حیث تطبیق اقسام مال بر آن

جلسه: ۲۹

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در تقسیمات مختلف مال به اعتبارات مختلف و بررسی اینکه رمز ارزها از کدام یک از انواع و اقسام مال محسوب می‌شوند بود. این تقسیمات هشت‌گانه ذکر شد و اقسامی که به سبب این تقسیمات پدید می‌آیند بیان گردید. اگر بخواهیم از حیث تطبیق این اقسام بر رمز ارزها بررسی داشته باشیم، برخی از این تقسیمات به حسب همه اقسامش قابل انطباق بر رمز ارزها هستند.

### تطبیق تقسیم اول

اینکه رمز ارز یک مال مفروز یا مشاع باشد، تا حدودی می‌توان برای آن هر دو قسم را در نظر گرفت؛ اگرچه مفروز و مشاع بیشتر در زمین و خانه و اموالی است که قابل قسمت است، مثلاً یک مرکب قابل قسمت نیست اما زمین و خانه قابل قسمت است و می‌شود سهم‌ها را جدا کرد. در مورد رمز ارز می‌توانیم بگوییم که رمز ارزها به نحو مشاع ملک کسی باشد یا مثلاً به نحو مفروز.

### تطبیق تقسیم دوم

اینکه رمز ارز یک مال خصوصی یا عمومی یا مشترک باشد، می‌توان گفت رمز ارز هم می‌تواند مال خصوصی باشد و هم مال عمومی، اما نمی‌توان آن را از مشترکات محسوب کرد.

### تطبیق تقسیم سوم

اما بقیه اقسام باید تعیین تکلیف شود. اینکه مثلاً مال حقیقی است یا اعتباری؛ قهراً رمز ارز مال حقیقی نیست؛ یعنی مثل طلا و نقره نیست که ارزش ذاتی داشته باشد، بلکه مالیت آن تابع اعتبار معتبر است. بنابراین می‌توانیم رمز ارز را یک مال اعتباری به حساب بیاوریم.

### تطبیق تقسیم چهارم

اینکه رمز ارز آیا مال منقول است یا غیرمنقول، طبیعتاً رمز ارز مال منقول است، مال غیرمنقول نیست؛ چون مال غیرمنقول مالی است که قابلیت جابجایی از جایی و مکانی به مکان دیگر را دارد ولی مال غیرمنقول، این امکان برای آن فراهم نیست. طبیعتاً رمز ارز چون قابلیت جابجایی دارد، البته در یک فضای خاص، می‌توانیم آن را یک مال منقول به حساب بیاوریم، هر چند به تعبیر دقیق‌تر مابه‌ازاء خارجی ندارد که این را جابجا کنیم.

### تطبیق تقسیم پنجم

تقسیم دیگر در مورد مال این بود که این مال مادی است یا معنوی؛ جزء اموالی است که در عالم واقعیت می‌توان بلاشاره

الحسیه آن را نشان داد؟ آیا قابل رؤیت است؟ فضا و جا اشغال می‌کند؟ یا اینکه یک واقعیت محسوس و ملموس و قابل رؤیت نیست. رمز ارزها واقعیت دارند اما ملموس یا به عبارت دیگر محسوس نیستند؛ نه مثل خانه و زمین هستند که این البته خودش بحث دارد و نه مثل حق تألیف. معمولاً اموال معنوی بر حقوق مالی تطبیق می‌شود؛ حق تألیف، حق سکنا، حق اختراع، اینها به عنوان حق دارای ارزش مالی هستند، یعنی می‌توان آنها را به عنوان مثن قرار داد؛ اما اینکه ثمن واقع می‌شوند یا نه، بسیاری این را منکر هستند. کسی حق تألیف را می‌فروشد، حق اختراع و حق حیات را می‌فروشد. حقوق مالی نوعاً از اموال معنوی محسوب می‌شوند؛ حال رمز ارز آیا از جنس حق مالی اختراع یا حق تألیف است یا از جنس چیزهایی است که در عالم واقعیت محسوس و ملموس و قابل رؤیت هستند، کدام یک از این دو است؟

اینکه ما مجموعه‌ای از اعداد و ارقام و رمزها را مثل حق تألیف بدانیم، مشکل است؛ خواهیم گفت که آیا رمز ارز عین است یا منفعت یا حق در تقسیم دیگر، بیشتر انظار حول عین بودن دور می‌زند؛ بعضی‌ها می‌گویند این یک دارایی و مال نامشهود است. در اینکه رمز ارز یک حق است یا منفعت یا عین است، اختلاف است. بسته به اینکه ما در آن تقسیم چه نظری را اختیار کنیم، در این تقسیم برای ما تعیین کننده است که آیا یک مال مادی محسوب می‌شود یا معنوی، اما اجمالاً می‌توانیم بگوییم این یک مال مادی است، به اعتبار اینکه معنوی نیست؛ اگر ما گفتیم مثلاً رمز ارز یک مال اعتباری است، اعتباری بودن به این است که کسی یا نهادی ارزش مالی برای آن اعتبار کند؛ حالا این اعداد و ارقام بالاخره نشان دهنده ارزش رمز ارز هستند. اما این را می‌توانیم که رمز ارز یک امر معنوی نیست از جنس آن مثال‌هایی که عرض کردم، منتهی مادی هم به این معنا که قابل رؤیت و قابل اشاره حسیه باشد، جز آن اعداد و ارقام و رموز چیزی ندارد. بالاخره طلا و نقره مادی هستند و قابل رؤیت و ملموس‌اند، اما رمز ارزها مثل این مواردی که نام بردم نیستند. لذا می‌توانیم با یک توسعه‌ای در معنای مادی، رمز ارزها را جزء اموال مادی به حساب بیاوریم و نه معنوی. چون اگر بخواهد معنوی باشد، باید مثل حقوق مالی باشد که این حق نیست.

سؤال:

استاد: بگوییم مادی اعم از مشهود و نامشهود است و اینکه هر نامشهودی لزوماً معنوی نیست. بالاخره در عالم اعتبار این یک واقعیت دارد؛ در عالم اعتبار که ما آن را نازل منزله تکوین می‌کنیم، این یک تحقیقی دارد و اگر با اعتبار معتبر این ارزش پیدا کرد، بالاخره یک واقعیتی دارد در عالم اعتبار. مثلاً اسکناس‌های امروزی را که به عنوان پول از آن نام می‌برند ملاحظه کنید؛ اینها مال هستند، مال اعتباری هم هستند. آنجا اسکناس در حقیقت از آن مالیت اعتباری حکایت می‌کند، و الا خودش هیچ ارزشی ندارد، یک ارزش ناچیزی دارد. اما این نشان دهنده آن ارزشی است که اعتبار شده است. اینجا هم این اعداد و ارقام نمایندگی می‌کنند آن ارزشی را که اعتبار شده است؛ چیزی جز این اعداد و ارقام نیست. آنجا کاغذ است، اینجا این اعداد و ارقام و رموز هستند، و این اعداد و ارقام و رموز نمایندگی می‌کنند آن ارزش اعتبار شده را. پس با حقوق معنوی فرق دارد؛ این یک حقی مثل حق اختراع و حق تألیف نیست. .... اگر ما این را عین دانستیم، چنانچه در بحث بعدی خواهیم گفت، هیچ مشکلی نیست و می‌شوند یک مال مادی؛ اما اگر عین ندانستیم، مثلاً منفعت به حساب آوردیم، آیا منفعت یک مال معنوی است یا مادی؟ این جای بحث دارد. به یک اعتبار می‌توانیم بگوییم منفعت یک خانه، مال مادی است چون بالاخره سکونت، استفاده کردن از این خانه غیر از حق اختراع و حق تألیف است؛ این را بیشتر در بخش دیگر توضیح خواهیم داد.

### تطبیق تقسیم ششم

تقسیم دیگر اینکه این مال تقسیم می‌شود به مال مصرفی و سرمایه‌ای، یا به تعبیر دیگر مصرفی و قابل بقاء. روشن است که رمز ارز یک مال مصرفی نیست، این یک مال سرمایه‌ای است، چون از بین نمی‌رود و باقی است؛ دست به دست می‌شود، مثل پول و اسکناس. البته در یک فرض و آن اینکه کسی کیف پول خودش را در فضای مجازی گم کند، رمزش را گم کند، آن جایی که برای قرار دادن این رمز ارزها تهیه کرده، از دست بدهد و راهی برای ورود به آن نداشته باشد، از بین می‌رود؛ همه کالاها و اموال سرمایه‌ای هم با یک شرایطی ممکن است از بین بروند. عمده این است که با استفاده از آن تمام می‌شود یا نه؛ طبیعی است که رمز ارز اینطور نیست که با استفاده از آن، تمام شود؛ تبدیل و مبادله می‌شود، ولی از بین نمی‌رود. پس می‌توانیم بگوییم رمز ارز یک مال مصرفی نیست، یک مال سرمایه‌ای و قابل بقاء است.

### تطبیق تقسیم هفتم

تقسیم دیگری که برای مال ذکر می‌کنند، تقسیم مال به مثلی و قیمی است. معیارهای مثلی بودن و قیمی بودن ذکر شده است؛ مالی که مثل و نظیر داشته باشد، مال مثلی محسوب می‌شود؛ اما مالی که مثل و نظیر نداشته باشد و نتوانیم افرادی مانند آن را پیدا کنیم، مال قیمی محسوب می‌شود. رمز ارز یک مال مثلی است، مثل پول و اسکناس‌های امروزی، و همه آنچه که به عنوان ارزهای کشورهای مختلف شناخته می‌شوند. برای اینکه مثلاً یک مبلغ و عدد معینی از رمز ارز مثل و مانند دارد، همانطور که نظر مشهور فقها در باب پول اعتباری و اسکناس این است که اینها مثلی هستند.

### تطبیق تقسیم هشتم

سرانجام تقسیم مال به عین و منفعت و حق است؛ باید ببینیم آیا رمز ارز عین است یا منفعت است یا حق. ما در گذشته به انظار اهل فن و موضع برخی کشورها در این رابطه اشاره کردیم. برخی آن را عین می‌دانند و به عنوان یک کالا قلمداد می‌کنند، برخی آن را یک دارایی نامشهود می‌دانند؛ حتی ممکن است برخی آن را حق بدانند. اما اینکه رمز ارز منفعت محسوب شود، این ظاهراً قائل قابل توجهی ندارد. کسانی که معتقدند رمز ارز عین است یا به تعبیر دیگر کالا محسوب می‌شود، قهراً اینها رمز ارز را پول نمی‌دانند، چون هیچ کسی پول را کالا نمی‌داند. کسانی که معتقدند رمز ارز پول نیست و می‌خواهند آن را در ذیل یکی از این اقسام سه‌گانه قرار دهند، می‌گویند رمز ارز یک عین سرمایه‌ای است و علت اینکه آن را کالای سرمایه‌ای به حساب می‌آورند، این است که رمز ارز برای انتقال ارزش در طول زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یک عده‌ای برخلاف این معتقدند رمز ارز عین نیست بلکه منفعت است؛ حالا قائلین به این چندان قابل توجه نیستند. کسانی که می‌گویند رمز ارز عین است، می‌گویند عین که فقط یک شیء خارجی قابل اشاره حسیه نیست؛ عین یک وقت خانه است، یک وقت زمین است، یک وقت داده‌های رایانه‌ای است. داده‌های رایانه‌ای خودش یک عین و واقعیت است که بالاخره این داده‌ها تولید می‌شوند. این داده‌ها قبلاً نبودند و بعد در اثر عملیات استخراج تولید می‌شوند؛ در جایی قرار داده می‌شوند، درست کردن کیف پول که جزء اولین گام‌های استخراج محسوب می‌شود، این در حقیقت به عنوان یک مکان و جایی در فضای مجازی است که آن اعداد و ارقام و رموز یا به تعبیر دیگر داده‌ها را در این کیف پول می‌ریزند؛ منتهی همه اینها در عالم مجازی است. چطور اگر شما یک پولی را در کیف پولتان بگذارید، این را مثلاً یک واقعیت خارجی می‌دانید، اینجا هم همینطور است؛ این داده‌های رایانه‌ای همه عین محسوب می‌شوند، ضمن اینکه با سایر پول‌ها متفاوت هستند.

پس تعریف عین بر رمز ارزها منطبق می‌شود؛ همه مشکل در عین دانستن رمز ارز، این است که این در خارج نیست و در فضای مجازی است. آن چیزی که شما آن را عین می‌دانید، در فضای مجازی تحقق پیدا کرده و در عالم واقعیت نیست. پس فکر نکنید که این صرفاً یک وجود انتزاعی دارد؛ وجود انتزاعی یعنی اینکه شما این را از یک چیزی انتزاع کرده‌اید. وجود انتزاعی بله، با عین بودن منافات دارد. پس برخی بر این عقیده هستند که رمز ارز یک عین است مثل سایر اعیان، لکن محل تحقق آن، عالم واقعیت نیست بلکه در فضای مجازی محقق می‌شود. این از جهتی می‌تواند قابل پذیرش باشد، اما باز بنابر تعاریف و معیارهایی که برای عین داده‌اند، اطلاق عین بر آن مشکل است؛ مگر اینکه یک توسعه‌ای در معنای عین بدهیم و واقعیت را شامل عالم مجاز هم کنیم؛ یعنی بگوییم هر چه در فضای مجازی وجود دارد، این هم واقعیت و حقیقت دارد.

سؤال:

استاد: اینها می‌گویند تنها تفاوتشان در همین است؛ ما به چه دلیل عنوان عین را فقط بر اعیان خارجی منطبق کنیم؟ دامنه و دایره عالم واقعیت وسیع‌تر است، بالاخره این داده‌های رایانه‌ای هم یک واقعیتی دارند؛ منتهی در محیط خارج که پیرامون ما هستند، قابل اشاره نیستند. اما بالاخره در فضای مجازی تحقق دارند و اینها عین محسوب می‌شوند.

سؤال:

استاد: بالاخره عالم اعتبار یک واقعیت هست یا نه؟ همانطور که عالم تکوین یک واقعیت است، عالم اعتبار هم یک واقعیت است. منتهی اینجا بحث پیش می‌آید که آیا واقعیتی که در عالم اعتبار وجود دارد، واقعیت مادی است یا معنوی. اینها باید بالاخره روشن شود؛ در همین هم اختلاف است که واقعیتی که در عالم مجاز و فضای مجازی شکل می‌گیرد و تحقق پیدا می‌کند، این واقعیت به تناسب آن عالمی که مربوط به خودش است، عین بر آن اطلاق می‌شود. وجهی برای اینکه ما این را عین ندانیم نیست؛ منتهی عین در عالم مجاز به یک نحو است و در عالم حقیقت به گونه دیگر. .... بالاخره عین بر واقعیت عالم حقیقی و عالم مجازی صدق می‌کند؛ بر موجودات در واقعیت حقیقی و واقعیت مجازی. هر دو بر آن عنوان عین صدق می‌کند، منتهی عین در هر چیزی به حسب خودش است.

گفتیم برخی هم این را منفعت می‌دانند؛ حتی برخی ممکن است آن را حق بشمارند و این اختلاف انظار هست. الان در برخی از کشورها رمز ارزها را یک کالا به حساب می‌آورند، شاهدش هم این است که همان قوانینی که مربوط به مالیات بر اعیان است، آن قوانین را در مورد رمز ارزها هم پیاده می‌کنند. این از چه بابی است؟ چطور قانون مربوط به اعیان و کالاها را در مورد رمز ارز پیاده می‌کنند؟ معلوم می‌شود که این را به عنوان یک کالا و عین به حساب آورده‌اند که آن قانون را در اینجا جاری می‌دانند. بنابراین در مورد رمز ارز آنچه اجمالاً می‌توانیم بگوییم این است که این عین است، در صورتی که آن را پول ندانیم؛ چون اگر پول دانستیم، داستان پول جداست.

### جمع‌بندی

اگر ما رمز ارز را پول به حساب آوردیم، این پول خودش به عنوان یک واقعیت در عالم اعتبار موجود است و می‌تواند یک عین محسوب شود. اگر رمز ارز را پول هم به حساب نیاوریم، چون در مورد پول بودن آن همانطور که قبلاً گفتیم تا حدودی اختلاف است، و شاید هنوز یک امر فراگیر نشده اما حداقل از سوی برخی عقلاً به این عنوان شناخته شده است. به هر حال

اگر ما رمز ارز را پول به حساب نیاوریم، باز مشکلی در عین بودن آن نیست، منتهی این عینی است که در فضای مجازی شکل می‌گیرد و طبیعتاً قوانین خاص خودش را دارد، تابع اعتبار معتبر هم است. لذا نمی‌توانیم بگوییم رمز ارز یک حق است؛ ممکن است رمز ارزها به اعتبار حق حیازت کسی مملوک او شوند، اما خود رمز ارز به عنوان یک حق شناخته نمی‌شود؛ ظاهرش این است که نمی‌توانیم آن را حق بدانیم؛ همچنین نمی‌توانیم رمز ارز را یک منفعت بدانیم. چون منفعت تابع یک عین است؛ آثار مربوط به یک عین و استمتاع از آن، اینها می‌شود منفعت، مثل سکونت نسبت به خانه، سوار شدن نسبت به ماشین؛ خیلی از امور به همین نحو است. در مالیت بحث نیست، اینکه چه نوعی از مال است.

در مجموع نتیجه می‌گیریم که رمز ارز یک عین است، مثلی است، کالای سرمایه‌ای است، مادی است، اعتباری است، منقول است، مفروز و مشاع هم می‌تواند باشد؛ یعنی آن دو تقسیم اول را گفتیم تأثیری در اینجا ندارد؛ بقیه هم که ما باید موضع‌مان را معلوم کنیم که رمز ارز کدام یک از این اقسام است، خصوصی و عمومی و مشترک، و مفروز و مشاع. اما در شش تقسیم دیگر باید معلوم کنیم رمز ارز بر کدام یک از این اقسام منطبق است که عرض کردیم.

«والحمد لله رب العالمین»